

چالش‌های مهاجرت مسلمانان در اروپا

دکتر مهدی محمدنیا^۱

چکیده

موج جدید مهاجرت به کشورهای اروپایی از زمان شکل‌گیری جنگ داخلی سوریه آغاز شد. اوج این بحران به اوایل سال ۲۰۱۵ بر می‌گردد، زمانی که کشورهای اروپایی شاهد سیل عظیمی از مهاجران و آوارگان جنگی بودند که عمدتاً از کشورهای بی‌ثبات خاورمیانه از جمله سوریه، عراق، افغانستان و لیبی که درگیر جنگ داخلی تروریستی بودند، روانه اروپا شدند. به گونه‌ای که می‌توان گفت، همواره یک رابطه مستقیم بین نابسامانی‌های سیاسی - امنیتی در آسیا و آفریقا و گسترش روند مهاجرت به اروپا وجود داشته است. بحران مهاجرت در اروپا به ویژه از زمان یازده سپتامبر، وارد مرحله جدیدی شده است و ماهیت بحران از موضوعات اقتصادی و اجتماعی به موضوع امنیتی تغییر پیدا کرده است که این مسئله چالش‌های متعددی را پیش‌روی دولت‌های اروپایی قرار داده است. این روند با شکل‌گیری بحران داعش در سوریه و عراق و موج جدید مهاجرت به اروپا تشدید شده است. این مقاله، تلاش دارد تا نوع رویکرد کشورهای اروپایی نسبت به موج جدید مهاجرت مسلمانان را مورد بررسی قرار دهد و به این پرسش پاسخ دهد که کشورهای اروپایی در برخورد با موج نوین مهاجرت با چه چالش‌ها و معضلاتی مواجه هستند؟ و چه چالش‌ها و تهدیداتی فراروی مهاجران مسلمان در کشورهای اروپایی قرار دارد؟

کلید واژه‌ها: اروپا، امنیت، تروریسم، مهاجرت مسلمانان، هویت

۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی، بروجرد، ایران.

بیان مسئله

مهاجرت به عنوان یک پدیده تاریخی نتیجه عوامل مختلفی بوده است. در طول تاریخ، بخش عمده‌ای از علل شکل‌گیری و گسترش مهاجرت به اروپا انگیزه‌های اقتصادی و سیاسی بوده است. بیکاری و نبود شغل از یک سو و فشارها و سرکوب سیاسی از سوی دیگر همواره جزء عوامل ترغیب‌کننده مهاجرت بوده‌اند. در این میان، عوامل مهم زیست محیطی همچون تغییرات آب و هوایی، کم‌آبی و خشکسالی و گسترش بیابان‌ها که امنیت غذایی و جانی بسیاری از انسان‌ها را به ویژه در آفریقا مورد هدف قرار داده است، نقش قابل توجهی در گسترش پدیده مهاجرت به اروپا داشته‌اند. اما در کنار این عوامل، علت ریشه‌ای موج جدید مهاجرت به اروپا را باید در بی‌ثباتی سیاسی و بحران‌های امنیتی در خاورمیانه دانست که منجر به گسترش پدیده «مهاجرت برای بقا» شده است؛ یعنی پیش از این که خشکسالی، فقر، بحران اقتصادی و خفقان سیاسی را علت مهاجرت اخیر به اروپا بدانیم، باید علت اصلی این مهاجرت را در فقدان امنیت و آرامش جستجو کرد. این روند را می‌توان مهم‌ترین پیامد حمایت آمریکا و اروپا از مخالفان دولت سوریه تلقی کرد که نتیجه آن تداوم جنگ داخلی سوریه و گسترش آن به عراق و ایجاد شرایط اسفبار برای مهاجران بوده است. میلیسا فلمینگ^۱، سخنگوی کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان^۲، در رابطه با تعداد پناهنجویان سوری ثبت نام شده در سازمان ملل اظهار داشت که حدود ۲ میلیون نفر در ترکیه، ۱ میلیون و صد هزار نفر در لبنان، ۶۳۰ هزار نفر در اردن، ۲۵۰ هزار نفر در عراق، ۱۳۲ هزار نفر در مصر و ۲۴ هزار نفر در کشورهای شمال آفریقا ثبت نام کرده‌اند؛ وی همچنین گفت که فقط در نیمه اول سال ۲۰۱۵، حدود ۷۰۰ هزار پناهنده از طریق یونان وارد جمهوری مقدونیه شده‌اند تا بتوانند به سایر نقاط اروپا بروند (Sputnik, p8 September 2015). برخی آمارها نشان می‌دهد که تعداد مهاجرانی که به سواحل یونان وارد می‌شوند در طول شش ماهه اول سال ۲۰۱۵ در مقایسه

^۱ . Melissa Fleming

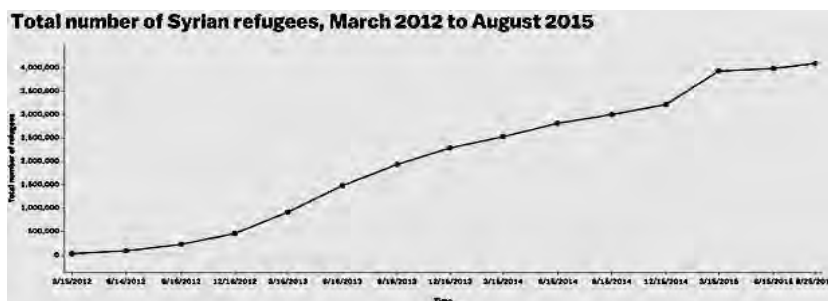
^۲.United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR)

با مدت مشابه در سال گذشته بیش از ۴۰۸ درصد افزایش پیدا کرده است (24 July, The Guardian 2015). در واقع، این آمارهای غیرمتعارف نشان از شکل‌گیری یک بحران جدی در اروپا دارد.

اهمیت موضوع مهاجرت تنها محدود به ادبیات و مباحث داغ انتخاباتی نیست بلکه به یکی از مهم‌ترین مسائل مناقشه‌آمیز در سیاست‌های امنیتی معاصر اروپا تبدیل شده است و با معضلات مهمی نظیر تروریسم، جنایت و نارسایی‌های اجتماعی پیوند خورده است. گذشته از برخی استثنائات، بیشتر اقدامات سیاسی کشورهای اروپایی با هدف کاهش موج مهاجرت به این قاره صورت گرفته است (Leonard, 2007, p-p 2-3).

طبق آمارهای سازمان ملل، از زمان شروع بحران سوریه در مارس ۲۰۱۱ تا سال ۲۰۱۵ بیش از ۲۲۰ هزار نفر کشته شدند و بیش از ۱۲/۲ میلیون نفر نیازمند کمک‌های انسان-دوستانه برای حفظ جان خود هستند و ۷/۶ میلیون نفر نیز خانه‌های خود را در این کشور از دست داده و مجبور به جابجایی به نقاط دیگر کشور شده‌اند (UN News Center, 26 March 2015). همانطور که نمودار شماره ۱ نشان می‌دهد روند مهاجرت به اروپا بعد از بحران سوریه، شدت بیشتری گرفته به گونه‌ای که بزرگترین بحران مهاجرت از زمان جنگ جهانی دوم بوده است و امروزه به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سیاستمداران اروپایی تبدیل شده است.

نمودار شماره ۱: شمار پناهندگان سوری از مارس ۲۰۱۲ تا اگوست ۲۰۱۵



منبع: سایت unhcr.org

پرسش‌های پژوهش

- چه چالش‌ها و تهدیداتی پیش‌روی دولت‌های اروپایی در برخورد با پدیده مهاجرت به ویژه مهاجرت مسلمانان وجود دارد؟
- چه چالش‌ها و تهدیداتی پیش‌روی مهاجران مسلمان در کشورهای اروپایی قرار دارد؟

فرضیه‌های پژوهش

- دولت‌های اروپایی، مهاجرت را مهم‌ترین تهدید علیه «امنیت اجتماعی» و «امنیت فرهنگی» خود تلقی می‌کنند و این منجر به گرایش به سمت سیاست‌های هویت‌محور از سوی کشورهای اروپایی شده است.
- امنیتی شدن موضوع مهاجرت^۱ در کشورهای اروپایی، مهم‌ترین چالشی است که حقوق مهاجران (به ویژه مسلمانان) را در اروپا در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مورد تهدید قرار داده است.

^۱.Securitization of Immigration

چارچوب مفهومی: امنیت شدن مهاجرت

تئوری امنیتی شدن^۱ توسط مکتب کپنهاک^۲ به ویژه از سوی باری بوزان^۳ آل ویور^۴ و چاپ دو ویلد^۵ وارد ادبیات سیاسی شد. در دهه ۱۹۹۰، مفهوم امنیت اجتماعی^۶ در سایه تحقیقاتی که بوزان و ویور انجام دادند، توسعه پیدا کرد (Waever, Buzan, Kelstrup and Lemaitre, 1993)، (Waever, 1995). از نظر ویور، امنیت به عنوان یک عمل گفتمانی و کنش زبانی بهتر قابل درک است. بوزان، ویور و دو ویلد امنیتی شدن را چنین تعریف می‌کنند: «هدف مطالعات امنیتی شدن این است تا فهم بسیار روشنی از این‌که چه کسی امنیتی می‌کند یا چه چیزی امنیتی و تهدید محسوب می‌شود، بدست آید» (Buzan, Waever and J Wilde, 1998, p 32).

اصطلاح امنیتی شدن به عنوان یکی از برجسته‌ترین رهیافت‌های انتقادی در مطالعات امنیتی شناخته می‌شود. در مکتب کپنهاک، امنیتی شدن فرآیندی است که از طریق کنش کلامی^۷ یا عمل گفتمانی^۸ مسئله‌ای اجتماعی، فرهنگی و یا سیاسی تبدیل به موضوعی امنیتی می‌شود. این رویکرد با رد عینی بودن امنیت معتقد است که امنیت یک مفهوم سازه‌انگارانه و برساخته فرآیندهای اجتماعی^۹ و فهم‌های بیناذهنی^{۱۰} است.

ادعای اصلی تئوری امنیتی شدن این است که امنیت عملی زبانی است که در یک فرآیند اجتماعی^{۱۱} ساخته می‌شود. در واقع یک بازیگر (امنیتی کننده) با این توضیح که وجود و

1. Securitization Theory

2. Copenhagen School

3. Barry Buzan

4. Ole Waever

5. Joop de Wild

6. social security

7. Speech Act

8. Discursive Act

9. ProcessSocial

10. Intersubjective

11. Social Process

بقای موضوعی خاصی در حال تهدید است، مدعی یکسری اقدامات فوری به منظور تضمین بقای آن (Referent Object) می‌شود. در این حالت، آن مسئله از حوزه عادی وارد فضای سیاسی غیر عادی می‌شود؛ یعنی فضایی که خارج از حاکمیت قوانین و مقررات دموکراتیک است. در چنین رویکردی، امنیت یک مفهوم مشخص و از پیش تعیین شده^۱ نیست بلکه مفهومی است که برساخته عمل گفتمانی، زبانی و محصول فرآیندها و تعاملات اجتماعی است. برای این که موضوعی بتواند وارد فضای امنیتی شود، سه شرط لازم است: ۱. معرفی یک تهدید حیاتی، ۲. اقدام فوری، ۳. تأثیر بر روابط بین دولت‌ها با کنار گذاشتن محدودیت‌های قانونی (Buzan, etal, 1998,p6). لذا امنیتی شدن، فرآیندی است که طی آن یک موضوع در طول تعاملات اجتماعی^۲ از حوزه عادی وارد حوزه امنیتی می‌شود. در نتیجه کنش‌ها و واکنش‌های پیرامون آن موضوع در چارچوب رویکردهای امنیتی صورت می‌گیرد. در این چارچوب، موضوعات امنیتی مسئله از پیش تعیین شده و مشخص نیست بلکه نوع تعاملات اجتماعی است که موضوعات امنیتی را تعیین می‌کند. به عبارتی موضوعات امنیتی محصول تعاملات اجتماعی است و زمانی یک موضوع امنیتی می‌شود که مخاطب آن را بپذیرد (Wæver, 2004,p 25). امروزه در اتحادیه اروپا، مهاجرت در بستر تحولات اجتماعی تبدیل به یک موضوع امنیتی شده است. بر مبنای این پژوهش، بین مهاجرت و امنیت اجتماعی هم در رفتارهای زندگی واقعی و هم در مطالعات دانشگاهی پیوند روزافزونی وجود دارد.

^۱.Pre-given

^۲.Social Interaction

دولت‌های اروپایی و چالش‌های مهاجرت

دولت‌های اروپایی در برخورد با موج مهاجرت با چالش و معضلات متعددی روبه‌رو هستند. برخی از مهم‌ترین چالش‌های کشورهای اروپایی در مواجهه با مهاجرت عبارت‌اند از:

۱- امنیتی کردن مهاجرت

چرا مهاجرت در کشورهای اروپایی به موضوعی امنیتی تبدیل شده است؟ یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های امنیتی کردن مهاجرت، پاسخ به چالش‌های هویت ملی از طریق بسیج حمایت عمومی است. به تصویر کشیدن یک پدیده به عنوان تهدید امنیتی می‌تواند مشروعیت سیاست آن دولت و کسب حمایت شهروندان در مواجهه با آن تهدید را افزایش دهد. در چنین فضایی، سیاست‌هایی که در شرایط عادی امکان عملیاتی شدن نداشتند از مشروعیت برخوردار می‌شوند و رفتارهای فراقانونی، به کارگیری تکنولوژی‌های امنیتی و حتی استفاده از خشونت از سوی دولت‌ها به منظور کنترل و مهار تهدید در راستای عبارت زیبای «امنیت ملی» توجیه پذیر می‌شود. در چنین شرایطی دولت‌ها قادر خواهند بود تا حوزه قدرت و اختیارات خود را از طریق توسعه یک «سیاست ناامنی»^۱ گسترش دهند (Boswell, 2007, p1).

به طور کلی، ناامنی یک موضوع دائمی، معین و مشخصی نیست بلکه بسته به هر نوع شرایط و متنی تعریف از ناامنی نیز متفاوت است. ناامنی پدیده‌ای است که نظام‌های سیاسی آن را می‌سازند و درصدد مقابله با آن بر می‌آیند. نظام سیاسی با تولید و بازتولید روابط اجتماعی خاص، یک پدیده‌ای همچون مهاجرت و پناهندگی را امنیتی جلوه می‌دهد و بدین ترتیب یک رابطه نزدیکی میان حوزه اجتماعی و حوزه سیاسی در امنیتی کردن موضوعات داخلی برقرار می‌کند؛ بنابراین اگر قرار است در رابطه با موضوع مهاجرت و پناهندگی سیاست‌های محدود کننده‌ای اعمال شود، باید عقلانی و توجیه‌پذیر شود که

^۱. Politics of Insecurity

امنیتی کردن این زمینه را فراهم می‌کند. مسائلی چون تهدیدات تروریستی ناشی از مهاجرت، مشکلات فرهنگی، زبانی و حتی بهداشتی مهاجران، ضعف‌های مهارتی و تفاوت‌های دیگر آنان با جوامع میزبان از یک سو و تلاش برخی مهاجران برای سوء استفاده از آزادی جوامع میزبان و ایجاد یکسری چالش‌های اجتماعی از سوی دیگر، با رویکرد امنیتی در حوزه گفتمانی رایج می‌شود و سپس در حوزه سیاستگذاری اعمال می‌شود (قهرمان‌پور بناب، ۱۳۸۵، صص ۱۷۸-۱۷۷). تعریف کردن مهاجرت به عنوان یک موضوع امنیتی در تعارض با انجام مسئولیت‌های دولت در حوزه‌های مذکور دارد، چرا که امنیتی کردن مهاجرت با دو پیامد جدی به همراه است:

۱- انتظارات مردم را درباره گسترش سیاست‌های محدود کننده دولت افزایش می‌دهد و این موضوع برای دولت‌ها دشوار خواهد بود تا بتوانند مهاجرت سودمند نیروی کار را به طور اقتصادی توجیه نمایند.

۲- اعمال محدودیت‌های بسیار سختگیرانه در رابطه با مهاجران، نگرانی‌ها را در رابطه با نقض حقوق بشر و بحران‌های بین‌نژادی افزایش خواهد داد (Boswell, 2007, p-p 1-2).

در تلاش برای امنیتی کردن مهاجرت، به عنوان مثال در انگلستان به دنبال انتخابات عمومی سال ۲۰۰۵، رهبر وقت حزب محافظه کار، میکائیل هووارد^۱، متقاضیان مهاجرت را با پدیده تروریسم مرتبط دانست (Leonard, 2007, p3). رابطه عمیق بین مهاجرت و امنیت به پیوند «امنیت- مهاجرت»^۲ نیز تعبیر شده است. این روند باعث شده است تا برخی پژوهشگران، روزنامه‌نگاران و سازمان‌های غیر دولتی صریحاً یا تلویحاً از امنیتی شدن روزافزون مهاجرت و پناهندگی در اتحادیه اروپا صحبت کنند. امروزه، موضوع امنیتی شدن مهاجرت در اتحادیه اروپا - چه در سطح اتحادیه و چه در سطح داخلی - به ایده‌ای فراگیری در ادبیات دانشگاهی تبدیل شده است (Leonard, 2007, p-p 5-6). دفتر

¹ Michael Howard

² migration-security nexus

کمیسیون عالی پناهندگان سازمان ملل نیز بر این واقعیت اذعان کرده است که در اتحادیه اروپا، مهاجرت و پناهندگی امنیتی شده است. این سازمان در یکی از تحقیقاتش با نام «دولت و پناهندگان جهان» ادعا کرده است که «ظهور نگرانی‌های امنیتی جدید برای دولت‌ها به ویژه از زمان حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به امنیتی شدن موضوع پناهندگی منجر شده است. در این راستا، متقاضیان پناهندگی بانیان ناامنی تصور می‌شوند تا قربانیان آن» (UNHCR, 2006, p5).

در اتحادیه اروپا بسیاری از مقامات سیاسی به ویژه جناح راست رادیکال و طیف محافظه کار به طور رسمی از پیوند مهاجرت با تروریسم و افراطی‌گری سخن می‌گویند و مهاجرت را به بسیاری از تهدیدات اجتماعی از جمله تروریسم پیوند می‌دهند (Boswell, 2007, p3).

۲- مهاجرت و رادیکالیسم: تهدید تروریسم وطنی

تروریسم وطنی^۱ یک رفتار تروریستی با انگیزه‌های مذهبی یا سیاسی است که توسط افرادی انجام می‌شود که در همان کشور (کشوری که عمل تروریستی را انجام داده‌اند) متولد شده‌اند. تهدیدات مربوط به تروریسم وطنی در ۴-۵ سال اخیر در اروپا رشد زیادی داشته است. اهداف این تروریست‌ها عمدتاً راه آهن، فرودگاه‌ها، هواپیماها و اتوبوس‌ها بوده است. این افراد یا در اروپا متولد شده و یا در این قاره پرورش یافته‌اند. تهدیدات تروریستی در اروپا تهدیداتی چند سطحی است. از دهه ۱۹۹۰ تهدیدات تروریستی از تهدیدات برون‌زا تبدیل به تهدیدات درون‌زا شده است که عمدتاً از سوی نسل دوم و سوم مهاجران رخ داده‌اند. پدیده تروریست وطنی را می‌توان به عنوان یک پدیده جامع - شناختی نگاه کرد. احساس محرومیت نسبی، تعلقات هویتی - فرهنگی و پویایی گروهی از عناصر تأثیرگذار برای ظهور این نوع تروریست‌ها محسوب می‌شوند. در این راستا، احساسات مذهبی نقش عنصر محرک را برای پیشبرد اهداف آن‌ها ایفا می‌کند. ایمان مذهبی راسخ (به آنچه که انجام می‌دهند)، تنفر عمیق از تمدن و ارزش‌های غربی،

^۱ Home Grown

احساس بیگانگی از جامعه غربی و سیالیت مکانی از مهم‌ترین ویژگی‌های مشترک این اسلام‌گرایان افراطی در اروپا است (Precht, 2007, p5). حرکت تروریست‌های وطنی بسیار متفاوت‌تر از حرکت‌های القاعده است. این افراط‌گرایان خانگی در انجام عملیات خشونت آمیز خود مستقل‌تر و به اصطلاح^۱ آغازگر^۱ هستند و تصمیمات آن‌ها از مجاری سازمانی عبور نمی‌کند (Pregulman and Burke, 2012, p2).

در واقع، نکته بسیار مهمی که در رابطه شکل‌گیری گروه‌های افراطی در اروپا وجود دارد موضوع خود - رادیکال^۲ و خود - سازمانی^۳ است. امروزه گروه‌های داخلی در اروپا الزاماً در چارچوب سازمانی القاعده یا داعش قرار ندارند، بلکه این گروه‌ها دارای سازماندهی غیر متمرکز و خود-رهبری هستند. همین موضوع، چالش تروریست‌ها را برای کشورهای اروپایی دو چندان می‌کند. چرا که پراکندگی و فقدان یک سازماندهی متمرکز، مقابله و حتی مذاکره با آن‌ها را بسیار مشکل می‌کند. طبیعی است وقتی گروه‌های تروریستی از مرکز فرماندهی واحدی دستور بگیرند و فعالیت‌های آن‌ها در چارچوب سازمانی صورت گیرد و از یک هویت تا حدودی مشخص برخوردار باشند، کنترل و یا مذاکره با آن‌ها در چارچوب فرآیندهای سازمانی آسان‌تر خواهد بود تا این‌که از گروه‌های خودسر تشکیل شده باشند و خودسرانه رفتار نمایند. یکی از علل گسترش خشونت‌های تروریستی در غرب، نتیجه فعالیت‌های این شبکه‌های داخلی مستقل^۴ و خود-رهبر وطنی است که باعث شده است دولت‌های اروپایی بیش از هر چیز امنیت اجتماعی خود را از ناحیه گسترش این نوع تروریست‌ها در خطر ببینند. در نظرسنجی انجام شده از سوی مرکز تحقیقات «پیو» در سال ۲۰۰۶، ۱۵ درصد از مسلمانان در بریتانیا، فرانسه و اسپانیا معتقد بودند که بمب‌گذاری انتحاری و سایر اشکال خشونت گاهی در دفاع از اسلام قابل توجیه

^۱. Self-Starter

^۲. Self-radicalized

^۳. Self-organized

. گفته می‌شود رهبران گروه تروریستی داعش اعلام کرده‌اند که اگر ۳ نفر همفکر در یک جا جمع شدند می‌توانند

یک گروه جهادی را تشکیل دهند و یکی از آن‌ها به عنوان رهبر، هدایت مستقلانه گروه را به عهده گیرد.

است (Pew Global, 2006). نظر سنجی انجام شده توسط آی.سی.ام (ICM) نشان می‌دهد که یک پنجم از مسلمانان بریتانیا با احساس و انگیزه‌های بمب گذاران انتحاری که در ۷ جولای ۲۰۰۷ اتفاق افتاد احساس همدردی می‌کردند (ICM, 2006). در نظر سنجی دیگری از مسلمانان بریتانیا که هشدار برای کشورهای اروپایی بوده است، ۱۳ درصد از مسلمانان جوان (بین ۱۶ تا ۲۴ سال) و ۳ درصد از مسلمانان پیر (۵۵ سال به بالا) نسبت به فعالیت گروه‌هایی چون القاعده احساس رضایت داشتند (Mirza et al, 2007, p 46).

۳- مهاجرت و عدم انسجام هویتی مهاجرین مسلمان در اروپا

یکی از مهم‌ترین دلایل رویکرد منفی دولت‌های اروپایی نسبت به مهاجران مسلمان، عدم انسجام هویتی آنان در فرهنگ اروپایی است. به این خاطر، اروپا بیشتر از آمریکا در معرض حملات تروریستی از جانب افراط‌گرایان تکفیری قرار دارد. اکثریت مسلمانان در اروپا به خوبی در جامعه اروپایی ادغام نشده و در فرهنگ این جوامع انسجام پیدا نکرده‌اند. در رابطه با چگونگی مواجهه با مسلمانان در اروپا، دو رویکرد عمده وجود دارد؛ رویکرد نخست بر چند فرهنگ‌گرایی تأکید دارد. این رویکرد که در کشورهای چگونگی چون انگلستان دنبال می‌شود به مسلمانان به عنوان گروه اقلیتی نگاه می‌کند که اولاً، دارای کلیتی یکپارچه هستند و ثانیاً این‌که از هویت و منزلت ویژه‌ای برخوردارند (کیانی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۴). رویکرد ادغام‌گرا که در کشورهای چگونگی چون فرانسه حمایت می‌شود، خواهان اعطای شهروندی به اقلیت‌های دینی از جمله مسلمانان و اروپایی کردن آن‌ها است؛ این رویکرد به دنبال این است تا مسلمانان را در ساختارهای ذهنی و عینی تمدن اروپایی ادغام کند. در چارچوب این دیدگاه، تلاش می‌شود از مسلمانان میانه‌رو حمایت شود و رهبران مذهبی آن‌ها به منظور تطبیق با ارزش‌های اروپایی تحت آموزش‌های ملی قرار گیرند. ایجاد «نهاد مرکزی دین اسلام» در بلژیک، «شورای مرکزی مسلمانان» در آلمان و «شورای دین اسلام» در فرانسه نمونه‌هایی از سیاست ادغام مسلمانان در جوامع اروپایی به حساب

می‌آیند (کیانی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵). از نظر دولت‌های اروپایی به ویژه فرانسه و انگلستان، اسلام قابل تقسیم به اسلام «غیر لیبرال» یا «رادیکال» و اسلام «لیبرال» یا «معتدل» است. مدل فرانسوی یکپارچگی مهاجران مبتنی بر لائسیته^۱ است که به معنی سکولاریسم در سیاست است، بنابراین هر شهروندی باید در مرحله اول خود را فرانسوی معرفی نماید و ویژگی‌های مذهبی و نژادی خود را در مرحله دوم اهمیت قرار دهد (Bizina and Gray, 2014, p73). در فرانسه موضوع ادغام مسلمانان در فرهنگ اروپایی، تحت عنوان پابندی به «ارزش‌های جمهوری» و در آلمان در قالب وفاداری به «ارزش‌های آلمانی» یا «آلمانی بودن» مطرح می‌شود. در این کشور احراز شرایط آلمانی بودن مقدم بر اعطای تابعیت و شهروندی است (ایزدی، ۱۳۸۹، صص ۷۷-۷۸). در مقابل، «چند فرهنگ‌گرایی»^۲ در بریتانیا و هلند حاکم است و این دولت‌ها به جای تلاش برای همگونگی مذهبی و نژادی، پراکندگی‌های مختلف هویتی را در این کشور به رسمت شناخته‌اند (Bizina and Gray, 2014, p73). مهاجران مسلمان اروپا از فرانسه تا آلمان و بلژیک، «جوامع موازی»^۳ در کشورهای اروپایی ایجاد کرده‌اند. در زیر مجموعه جمعیتی اروپا، مهاجران مسلمان زندگی متفاوتی دارند و به انجام رفتارهای مذهبی و هنجارهای فرهنگی کشورهای اصلی خود علاقه بیشتری نسبت به فرهنگ و آداب کشور میزبان نشان می‌دهند، بنابراین برخی از آن‌ها که تمایلات افراط‌گرایانه دارند، تبدیل به شکار آسان برای گروه‌ها و سازمان‌های رادیکالیستی می‌شوند. یکی از مهم‌ترین پیامدهای این عدم همگونگی و انسجام هویتی، پیوستن برخی مسلمانان افراطی در اروپا (خواه متولد اروپا یا مهاجر) به گروه‌های تروریستی همچون داعش و القاعده است که اروپا را بیش از پیش در معرض خطرات تروریستی قرار می‌دهد. نمونه بارز آن، حملات تروریستی ۱۳ نوامبر ۲۰۱۵ پاریس (با ۱۲۹ کشته) است که توسط کسانی انجام شد که برخی از آن‌ها دارای تابعیت فرانسوی

¹ laïcité

² Multiculturalism

³ Parallel societies

بوده و به داعش در سوریه پیوسته بودند و همراه با آوارگان سوری از مسیر یونان به اروپا و فرانسه بازگشتند و مرتکب این جنایت خونین شدند.

۴- تهدید توازن جمعیتی

نگرانی بابت تغییر توازن جمعیتی اروپا در نتیجه مهاجرت مسلمانان تازه وارد^۱ به این قاره از دهه ۱۹۷۰ شروع شد. بر این اساس کشورهای اروپایی از آن زمان برای کنترل مهاجرت به این کشورها، سیاست‌های مختلفی را دنبال کردند. با تغییر سیاست‌های کشورهای اروپایی در مورد مهاجرت در دهه ۷۰، اسلام تبدیل به یک موضوع اجتماعی-سیاسی در اروپا گردید و به تدریج موضوع حضور مسلمانان در اروپا به تهدید فرهنگی و تروریستی نیز گره خورد (میر محمدی، ۱۳۸۵، صص ۷۰-۶۹).

آمارها در رابطه با میزان جمعیت مسلمان در اروپا متغیر است. آمار دقیقی از جمعیت مسلمانان در اروپا وجود ندارد. براساس برخی آمارها، بیش از نیمی از مسلمانان در اروپا بومی و نیمی دیگر مهاجر هستند. در پی بحران عراق، لیبی و جنگ داخلی و فرسایشی سوریه و به دنبال آن هجوم چند صد هزار نفری مسلمانان به اروپا از سال ۲۰۱۳، باید انتظار داشت که در سال‌های آینده نرخ مهاجران مسلمان در اروپا بسیار افزایش پیدا کند. آمار موجود در رابطه با شمار مسلمانان اروپا اختلافات قابل توجهی با هم دارند. شمار مسلمانان قاره اروپا بر اساس آمار مرکز تحقیقات پیو، از ۲۹/۶ میلیون نفر در سال ۱۹۹۰ (۴/۱ درصد از کل جمعیت اروپا) به ۴۴/۱ میلیون نفر (۶ درصد از کل جمعیت اروپا) در سال ۲۰۱۰ رسید (جمعیت مسلمان اتحادیه اروپا نیز حدود ۱۹ میلیون پیش‌بینی شده است). این مرکز پیش‌بینی کرده است که شمار مسلمانان اروپا تا سال ۲۰۳۰ به ۵۸ میلیون نفر (۸ درصد از کل جمعیت اروپا) افزایش یابد (از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ به طور متوسط در هر دهه، ۱ درصد به کل جمعیت مسلمان در اروپا افزوده شده است) (Pew Research Center, 27 January 2011). بر اساس آمار مرکز تحقیقاتی پیو تا سال

^۱. New arrivals

۲۰۵۰ شمار مسلمانان اتحادیه اروپا به ۱۰/۲ درصد افزایش پیدا خواهد کرد. نرخ رشد جمعیت مسلمانان در اروپا ۳۵ درصد است. نتایج این آمار، بیانگر این است که جمعیت مسلمانان با سرعت بیشتری نسبت به غیر مسلمانان رشد می‌کند. اگر این الگو ادامه یابد تا سال ۲۰۵۰ در جهان برای اولین بار در جهان، شمار مسلمانان تقریباً برابر شمار مسیحیان خواهد شد؛ یعنی حدود ۲/۸ میلیارد مسلمان (۳۰ درصد از کل جمعیت دنیا) و ۲/۹ مسیحی (۳۱ درصد از کل جمعیت دنیا) (Pew Research Center, 2 April 2015). در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا، آلمان و فرانسه بزرگترین جمعیت مسلمان را دارند. البته این آمارها، جمعیت مهاجر اخیر را که در نتیجه بحران سوریه به کشورهای اروپایی سرازیر شدند در نظر نگرفته‌اند که طبیعتاً با احتساب آنها، شمار جمعیت مسلمان اروپا به ویژه آلمان که بیشترین جمعیت مهاجر را در خود جای داده است (نزدیک ۱ میلیون نفر)، بیشتر از آمارهای موجود خواهد بود. با توجه به این که آلمان پایین‌ترین نرخ زاد و ولد را در اروپا دارد و جمعیت این کشور رو به پیری است، پس هجوم گسترده مهاجران اخیر به این کشور آینده توازن جمعیتی آلمان را تهدید خواهد کرد. بر طبق آمار کمیسیون اروپا، جمعیت آلمان تا سال ۲۰۶۰ از ۸۱/۳ به ۷۰/۸ میلیون نفر کاهش پیدا خواهد کرد (European Commission, 2015). در نتیجه، تهدید علیه توازن جمعیتی در آلمان محسوس‌تر از سایر کشورهای اروپایی است.

۵- چالش‌های مهاجران مسلمان در کشورهای اروپایی

الف- امنیتی شدن اسلام (گسترش اسلام‌هراسی)

امروزه یکی از مهم‌ترین مسائلی که بر وضعیت مسلمانان مهاجر اروپا تأثیر منفی می‌گذارد، روند رو به رشد امنیتی شدن اسلام در اروپا است. امنیتی شدن اسلام فقط عمل گفتمانی نیست، بلکه تبدیل به رفتاری شده است که حقوق مهاجران مسلمان را تحت تأثیر قرار داده است (Cesari, 2009, p1).

امروزه، گروه‌هایی در جوامع غربی تلاش می‌کنند تا اسلام را عمدتاً به حرکت‌هایی مثل القاعده و داعش مرتبط کنند. ارائه تصویر نادرست از اسلام، منجر به سیاستی متناقض از سوی دولت‌های اروپایی شده است که خود زمینه‌تشدید رادیکالیسم را فراهم کرده است. برخی گروه‌ها و احزاب در کشورهای اروپایی، مسلمانان را به عنوان تهدیدی علیه موجودیت خود نگاه می‌کنند و اقداماتی را انجام می‌دهند تا به شهروندان خود این اطمینان را بدهند که اجازه نخواهند داد تا در نتیجه حضور مسلمانان در جوامع خود، (به اصطلاح) رادیکالیسم توسعه پیدا کند، حال آن‌که افزایش نارضایتی اقلیت‌های مذهبی، تحریک احساسات آنان و تحول مذهبی اشخاص از محافظه‌کاری به بنیادگرایی را فراهم می‌کند. فرآیند امنیتی شدن اسلام در اروپا شامل بازیگرانی می‌شود که اسلام را به عنوان تهدیدی علیه هنجارهای سیاسی و سکولار اروپا مطرح می‌کنند و بدین وسیله اقدامات فراقانونی خود را علیه مهاجران مسلمانان توجیه می‌کنند.

کشورهای اروپایی در نوع برخورد با مهاجران، همواره رفتارهای متناقض از خود نشان داده‌اند. گرچه آن‌ها از یک سو به دنبال تسهیل انسجام اجتماعی- اقتصادی مسلمانان هستند؛ اما از سوی دیگر نگرانی‌های امنیتی و ضد تروریستی، باعث می‌شود تا بخشی از آزادی مسلمانان و حقوق بشر را قربانی امنیت کنند و محدودیت آن‌ها را در فضای عمومی بیشتر کنند (Cesari, 2009, p2).

در رابطه با چرایی اسلام‌هراسی در غرب، می‌توان به دو عامل ذیل اشاره کرد:

۱. فعالیت‌ها و اقدامات خشونت‌آمیز گروه‌های افراطی که ادعای اسلام دارند. یکی از مهم‌ترین مواردی که به اسلام‌هراسی و مخدوش کردن چهره اسلام کمک می‌کند، فعالیت‌های خشونت‌آمیز و تروریستی همچون بمب‌گذاری، انفجار کمربند انتحاری و حمله مسلحانه از سوی برخی عناصر افراطی است که خود را مسلمان می‌دانند، آن‌ها با اعمال خود اسلام را به عنوان دین وحشت و خشونت معرفی کرده‌اند. پیش از این، حملات خشونت‌آمیز عمدتاً منتسب به چپ‌گرایان افراطی و برخی گروه‌های جدایی

طلب همچون سازمان جدایی طلب منطقه باسک اسپانیا (اتا)^۱ می‌شد (هر چند امروزه نیز تعداد حملات خشونت آمیز و تروریستی در اروپا از سوی افراد و گروه‌های غیر اسلامی بسیار بیشتر از عناصر افراطی مدعی مسلمانی است).

۲. تفسیر رادیکال و خشونت آمیز از اسلام

نوع تحلیل و تفسیر نادرستی که رسانه‌های غربی از اسلام ارائه می‌دهند، دینی مبتنی بر جنگ، ترور و خشونت است. در واقع نوع تفسیر رادیکال از اسلام از یک سو و رفتارهای خشونت آمیز عده کمی از مسلمانان از سوی دیگر، فضایی را برای برخی افراد، گروه‌ها و احزاب افراطی فراهم کرده است تا با نسبت دادن این رفتارهای خشونت آمیز به ایدئولوژی اسلامی، به اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در اروپا دامن بزنند.

ب- احیای ناسیونالیسم پرخاشگرانه و ضد اسلامی با تأکید بر جنبش پگیدا

مواجهه با ناسیونالیسم پرخاشگرانه، یکی دیگر از چالش‌های مسلمانان مهاجر در اروپا است. احیای ناسیونالیسم پرخاشگرانه، نتیجه ظهور احزاب و گروه‌های افراطی راست‌گرا در اروپا است. احزاب راست، خود را مدافع ارزش‌های سنتی و حافظ هویت فرهنگی و نژادی جامعه معرفی می‌کنند و در این راستا از رویکرد پوپولیستی برای کسب آرای سیاسی استفاده می‌کنند. ملی‌گرایی افراطی از مشخصه‌های بارز احزاب راست افراطی است که نتیجه آن کینه ورزی نسبت به دیگر ملیت‌ها و مخالفت با فرآیند انسجام و همگرایی اروپایی است. به طور کلی دو ویژگی مهم، احزاب راست افراطی را از سایر احزاب اروپایی متمایز می‌سازد: احزاب راست تلاش می‌کنند تا با بزرگ‌نمایی تهدیدات هویتی، تفکر رأی دهندگان را بر اساس احساسات ضد مهاجرت، تغییر دهند (Brug, Fennema and Tillie, 2000, p 83).

^۱ Euskadi Ta Askatasuna (ETA)

برخی پژوهشگران به این احساسات مهاجرت و ضد مسلمان، نژادپرستی فرهنگی^۱ نام نهاده‌اند و معتقدند که مسلمان‌هراسی^۲ در قالب نژاد پرستی فرهنگی، شکل جدیدی در اروپا به خود گرفته است (Modood, 2005,p37). احزاب راست افراطی معمولاً با دغدغه تهدید حاکمیت ملی، مخالف روند یکپارچگی و همگون‌سازی اتحادیه اروپا هستند و آن را ضربه‌ای جدی بر هویت و فرهنگ کشورهای خود تلقی می‌کنند و معتقدند که تاریخ و فرهنگ هر کشوری متفاوت است و امکان اجرای سیاست فرهنگی واحد در اروپا وجود ندارد. در واقع یکی از شاخصه‌هایی که راست افراطی نو را از نسل پیشین متمایز می‌کند، میهن‌پرستی رفاه طلبانه است. در این راستا، این احزاب و گروه‌ها معتقدند که دولت‌ها باید ثروت و رفاه را قبل از هر گروهی در اختیار شهروندان بومی قرار دهند تا مهاجران (ابراهیم آبادی، ۱۳۹۴، ص ۸). اگرچه حرکت‌های افراطی پوپولیستی در دهه‌های اخیر در اروپا فعال شده‌اند، اما از برخی مسائل اجتماعی و اقتصادی اروپا نیز برای توجیه خود بهره جسته‌اند. بحران‌های اقتصادی و مالی، امنیت و موضوعات مربوط به مهاجرت در کنار مسائل هویت ملی زمینه رشد ایدئولوژی‌های راست افراطی با راه‌حل‌های ساده انگارانه را بیش از پیش فراهم کرده است. در چنین متنی، اگر این گونه احزاب بتوانند آرای بالایی را در انتخابات اروپایی (در سطح ملی و اتحادیه اروپا) بدست آورند، طبیعتاً نهادها و ارزش‌های دموکراتیک اروپایی را با خطرات و چالش‌های جدی مواجه خواهند کرد (European Humanist Federation, 2013,p1). از نظر احزاب و گروه‌های راست افراطی، ثروت ملی متعلق به شهروندان ملی است و نباید آن را برای خواسته‌های خارجی‌ها و مهاجران صرف کرد و باید در برای ایجاد اشتغال و فرصت‌های شغلی جدید برای شهروندان بومی هزینه شود (ابراهیم آبادی، ۱۳۹۴، ص ۸). در واقع احزاب راست تلاش می‌کنند تا از احساسات عوامانه برای پیشبرد اهدافشان استفاده کنند. در این راستا، موضوع مهاجرت بهترین فرصت را برای پیشبرد اهداف آنها فراهم کرده است. جنبش

^۱.Cultural Racism

^۲.Muslimophobia

«اروپاییان وطن پرست علیه اسلامیزه کردن غرب» موسوم به «پگیدا»^۱ نمونه معروف جریان راست افراطی در آلمان است که در اکتبر ۲۰۱۴ میلادی در شهر درسدن^۲ این کشور پا به عرصه ظهور گذاشت. شهری که کمتر از نیم درصد از مردم آن مسلمان هستند.

ج- اعمال تبعیضات اجتماعی علیه مهاجران مسلمان

همواره یکی از چالش‌های دامنه‌داری که مسلمانان در کشورهای اروپایی با آن مواجه هستند اعمال برخی تبعیضات نژادی علیه آنان در کشورهای اروپایی بوده است. به طور کلی موضوع تبعیض نژادی و اعمال محدودیت‌ها در رابطه با مهاجران، یکی از موضوعات مهم در ادبیات علوم اجتماعی و موضوع بحث اندیشمندان از زوایای مختلف بوده است. نگاه بسیاری از کشورهای غربی به اتباع سایر کشورها به ویژه مسلمانان، تحقیرآمیز است. در این کشورها نوعی تقسیم بندی غیر رسمی، بین دو گروه خودی و غیر خودی به رسمیت شناخته شده است. مبنای این تقسیم‌بندی، ریشه در نژاد و فرهنگ اروپایی دارد. بنابراین، همواره مهاجران آسیایی، آفریقایی و شهروندان آمریکای لاتین شاهد نوعی نگاه معنادار از سوی شهروندان بومی اروپایی هستند (خالوزاده، ۱۳۸۹، ص ۱۰۶).

امروزه در جوامع اروپایی، شواهد زیادی دال بر اعمال برخی محدودیت‌ها و تبعیضات نژادی در قبال مسلمانان مهاجر به ویژه نسل دوم مسلمانان وجود دارد. امروزه، محدودیت‌هایی در رابطه با اشتغال، حجاب و پوشش سر، موانع اداری در ساخت مساجد جدید یا توسعه مساجد قدیمی، اکراه دولت‌های اروپایی برای کمک‌های مالی به مدارس اسلامی و در همان حال پشتیبانی مالی از شمار زیادی از مدارس یهودی، کاتولیک و پروتستان، علیه مهاجران مسلمان اعمال می‌شود (Foner and Alba, 2008, p370).

1. Pegida (Patriotische Europa" ergegen die Islamisierung des Abendlandes)

2. Dresden

مهاجران عمدتاً از کشورهای فقیر یا جنگ‌زده جهان سوم آفریقا، آسیا، شرق نزدیک و جنوب آسیا به اروپا می‌آیند و با پایین‌ترین رده وارد بازار کار اروپا می‌شوند. بر اساس برخی آمارها، مهاجران مسلمان به ویژه نسل دوم مهاجران در رابطه با مهارت‌های آموزشی با یکسری نابرابری‌های اجتماعی مواجه هستند. والدین مهاجران، حداقل سرمایه انسانی متوسطی را در کشورهایشان (جایی که توزیع عادلانه آموزشی بسیار پایین‌تر از اقتصادهای پیشرفته است) بدست آورده‌اند. فرزندان بسیاری از این مهاجران در مقایسه با فرزندان خانواده‌های بومی اروپایی، سرمایه انسانی بسیار پایینی دارند که خود مانعی عمده در برابر پیشرفت نسل دوم مهاجران محسوب می‌شود. علاوه بر این، یافته‌های برخی مطالعات نشان از وجود الگوهای نابرابری می‌دهد که در راستای آن سیستم‌های آموزشی اروپایی فرزندان مهاجران را به سمت دستاوردهای آموزشی کم اهمیت هدایت می‌کند (Alba, R. 2005). در حوزه بازار کار نیز، شواهد روشنی دال بر برخی تبعیضات نژادی وجود دارد. در فرانسه یافته‌های تحقیق نیل آشر سیلبرمن، استاد مرکز مطالعات تاریخی بروکسل، نشان می‌دهد که فرزندان مهاجرانی که از آفریقای شمالی، صحرای آفریقا و ترکیه به اروپا می‌آیند، درصد بیکاری‌شان نسبت به هم‌تایان فرانسوی‌شان بسیار بیشتر است. البته اروپایی‌ها تلاش می‌کنند این اختلافات را با تفاوت در مهارت‌های آموزشی توضیح دهند؛ اما فرزندان مهاجران حتی پس از اشتغال نیز احتمال این‌که پست‌هایی متناسب با تحصیلاتشان بگیرند، کمتر است و معمولاً مجبور به پذیرش شغل‌هایی می‌شوند که پایین‌تر از سطح مهارت‌های فنی و آموزشی آنهاست. اعمال و تداوم این نوع تبعیضات نژادی به تدریج در اروپا تبدیل به سنت شده است به گونه‌ای که در نظر بسیاری از مهاجران این نوع تبعیضات موضوعی عادی تصور می‌شود تا موضوعی استثنایی، تحقیقات انجام شده در بلژیک و اسپانیا نیز به نتایج مشابهی رسیده است (Foner and Alba, 2008, p371). بر اساس گزارش مرکز اروپایی نظارت بر نژادپرستی و بیگانه‌هراسی، نرخ بیکاری مهاجران پاکستانی و بنگلادشی در انگلستان حدود ۲۰ درصد در مقایسه با ۶ درصد کل جمعیت این کشور است. متوسط نرخ بیکاری مهاجران در این کشور ۱۳ درصد است. در آلمان

نرخ بیکاری جامعه تُرک ۲۱ درصد در مقایسه با ۸ درصد کل است. نرخ بیکاری مهاجران در فرانسه ۲۲ درصد در مقایسه با ۱۳ درصد کل است. در هلند نرخ بیکاری مهاجران غیر غربی ۹ درصد، مهاجران غربی ۴ درصد و بومیان هلندی ۳ درصد است. در اسپانیا نرخ بیکاری مهاجران و بومیان به هم نزدیک است. در آلمان فقط ۵ درصد از مهاجران مسلمان دارای مدارک تحصیلی بالاتری هستند در حالی که نسبت به کل جمعیت، ۱۹ درصد از مردم آلمان دارای مدارک تحصیلی بالاتری هستند. این مقدار در اسپانیا ۱۱ درصد در مقایسه با ۲۰ درصد کل جمعیت است (EUMC, 2003).

نتیجه‌گیری

تهدیدات مربوط به امنیت اجتماعی و فرهنگی، سیاست‌های هویت‌محور کشورهای اروپایی از یک سو و امنیتی شدن موضوع مهاجرت از سوی دیگر از مهم‌ترین چالش‌هایی است که امروزه پیش‌روی دولت‌های اروپایی و مهاجران مسلمان در اروپا قرار دارد. امروزه، گسترش چالش مهاجرت به حوزه‌های امنیتی، اروپا را بیش از پیش در کانون توجه جهانی قرار داده است. موضوع مهاجرت در دهه‌های اخیر به ویژه بعد از بحران سوریه به یکی از جدی‌ترین چالش‌های سیاسی - امنیتی کشورهای اروپایی تبدیل شده است. در سال‌های اخیر موضوع مهاجرت و تصمیمات مربوط به آن در اتحادیه اروپا از حوزه‌های اجتماعی وارد حوزه‌های سیاسی - امنیتی شده است و همین منجر به بروز یکسری چالش‌ها برای دولت‌های اروپایی از یک سو و مهاجران از سوی دیگر و تقویت احزاب راست افراطی و نیز ایجاد جنبش‌هایی نظیر پگیدا و در نهایت نقض حقوق مهاجران شده است. از مهم‌ترین چالش‌های مهاجرت پیش‌روی دولت‌های اروپایی‌ها، گرایش به گروه‌های تکفیری از سوی معدودی از نسل‌های دوم و سوم مهاجران مسلمان است که امنیت اجتماعی اروپا را در معرض تهدیدات جدی قرار داده است. هر چند عمده‌تأ آبخشور فکری گرایش برخی از مهاجران مسلمان به افراط‌گرایی، وهابیت است؛ اما نمی‌توان تنها همین دلیل را برای چرایی ظهور این پدیده بیان کرد. این مهاجران از

کشورهای مختلف با زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی مختلف وارد اروپا می‌شوند و به دلایل مختلف در معرض فرآیند رادیکالیسم قرار می‌گیرند. در این راستا، می‌توان عواملی چون بحران هویت، تجربه تبعیض نژادی و محرومیت نسبی، امامان جماعت تندرو، سیاست خارجی تهاجمی غرب و اهانت به مقدسات اسلامی و اسلام‌ستیزی را مهم‌ترین عوامل گرایش نسل جدید مهاجران به رفتارهای رادیکالیستی تلقی کرد. چالش دیگر کشورهای اروپایی در برخورد با مهاجران عدم انسجام هویتی مهاجران است. دولت‌های اروپایی یکی از مهم‌ترین دلایل گرایش نسل جدید مهاجران به رفتارهای افراطی را در عدم انسجام هویتی مسلمانان (غیر) در هویت لیبرالیستی اروپایی (خود) می‌دانند. اغلب جوامع مسلمان در اروپا نتوانسته‌اند به خوبی در فرهنگ و هویت اروپایی ادغام و انسجام پیدا کنند. سیاست فرهنگ‌گرایی واحد برخی کشورهای اروپایی، به ویژه فرانسه برای همگون‌سازی مهاجران با فرهنگ این کشور با شکست مواجه شده است. لذا بسیاری از مهاجران مسلمان قبل از این‌که خود را اروپایی بدانند خود را مسلمان می‌نامند، یعنی در تعریف از هویت، ماهیت مذهبی خود را در اولویت اول قرار می‌دهند.

سیاست هویت-محور کشورهای اروپایی در برخورد با مهاجرت زمانی نمود بیشتری به خود می‌گیرد که آمارها نشان از به هم ریختن توازن جمعیتی اروپا در آینده از سوی مسلمانان دارد. مهاجرت و نرخ بالای رشد جمعیت مسلمانان در اروپا منجر شده است تا گروه‌ها و احزاب راست افراطی همواره نسبت به خطر برتری جمعیت مسلمان اروپا در دهه‌های آینده هشدار دهند و آن را زنگ خطری برای کلیسا، فرهنگ و هویت اروپایی تلقی کنند.

امروزه امنیتی شدن مهاجرت، امنیتی شدن اسلام و گسترش اسلام‌هراسی، اعمال تبعیضات اجتماعی در مواجهه با بسیاری از مهاجران مسلمان و احیای ناسیونالیسم پرخاشگرانه از مهم‌ترین چالش‌ها و معضلاتی هستند که مهاجران مسلمان نیز در اروپا با آن مواجه هستند. در این راستا امنیتی شدن مهاجرت در کشورهای اروپایی، نوع برخورد با مهاجران مسلمان را هویت-محور کرده و در راستای آن موضوع مهاجرت به مثابه چالشی علیه هویت ملی

کشورهای اروپایی نگرینسته می‌شود. همین امر فضا را برای خیزش گروه‌ها و احزاب راست افراطی در کشورهای اروپایی و تشدید خشونت‌های سیاسی- اجتماعی علیه مهاجران فراهم کرده است.

امنیتی شدن اسلام در اروپا زمینه گسترش اسلام‌هراسی شده است. امنیتی شدن اسلام فراتر از کنشی زبانی، تبدیل به رفتاری شده است که حقوق بسیاری از مهاجران مسلمان را تحت تأثیر قرار داده است. از یک سو، اقدامات خشونت آمیز گروه‌های افراطی و از سوی دیگر، تفسیر رادیکال و خشونت‌آمیز از اسلام در تشدید پدیده اسلام‌هراسی در اروپا تأثیر گذار بوده‌اند. احیای ناسیونالیسم پرخاشگرانه، چالش دیگری است که مهاجران در اروپا با آن مواجه هستند. ناسیونالیسم پرخاشگرانه، نتیجه ظهور و قدرت‌یابی احزاب و گروه‌های افراطی راست‌گرا در اروپا است. معمولاً احزاب راست در اروپا خود را مدافع ارزش‌های سنتی و حافظ هویت فرهنگی جامعه معرفی می‌کنند. این احزاب حضور مهاجران در اروپا را از یک سو به علت عدم ادغام در فرهنگ اروپایی به عنوان بزرگترین تهدید هویتی و فرهنگی و از سوی دیگر عامل بیکاری و مشکل اشتغال تلقی می‌کنند. بنابراین، بر اساس احساسات ضد مهاجرت یا نژادپرستی فرهنگی، حامی برخوردهای خشونت طلبانه علیه مهاجران هستند. اعمال تبعیضات اجتماعی علیه مهاجران معضل قدیمی است که همواره بسیاری از مهاجران مسلمان با آن درگیر بوده‌اند. محدودیت‌هایی بر سر اشتغال، حجاب و پوشیدن روسری، اجرای برنامه‌های مذهبی، موانع اداری در ساخت مساجد جدید یا توسعه مساجد قدیمی، نظارت و کنترل بر امامان جماعت، اکراه دولت‌های اروپایی در کمک مالی به مدارس اسلامی و ... نمونه‌هایی از این تبعیضات اجتماعی علیه مهاجران مسلمان هستند.

منابع

- ابراهیم آبادی. غلامرضا. (۱۳۹۴). "راست‌گرایی افراطی در اروپا و گسترش اسلام هراسی". طرح پژوهشی گروه فرهنگ و معارف برون مرزی صدا و سیما.
- ایزدی. پیروز. (۱۳۸۹). "بررسی تطبیقی سیاست‌های ادغام مهاجران مسلمان در فرانسه و آلمان". پژوهش‌نامه سیاست خارجی. شماره ۲۵.
- خالوزاده. سعید. (۱۳۸۹). "سیاست اتحادیه اروپا در قبال مهاجرت". پژوهش‌نامه سیاست خارجی. شماره ۲۵.
- قهرمان پور بناب. رحمان. (۱۳۸۵). "معرفی کتاب: سیاست ناامنی: ترس، مهاجرت و پناهندگی در اتحادیه اروپا" (مؤلف جف هويسمانز). فصلنامه امنیت. شماره ۲-۱.
- کیانی. داود. (۱۳۸۷). "تنگناهای هویتی مسلمانان در اروپا و امریکا". پژوهش‌نامه سیاست خارجی. شماره ۲۰.
- میرمحمدی. سید مصطفی. (۱۳۸۵). "حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها با تکیه بر حقوق اقلیت‌های مسلمان". اندیشه تقریب. شماره ۹.
- Alba. R.(2005) **"Bright vs. Blurred Boundaries: Second-Generation Assimilation and Exclusion in France, Germany and the United States."** Ethnic and Racial Studies.Vol.28. No.1.
- Bizina. Margarita and David H. Gray. (2014). **"Radicalization of Youth as a Growing Concern for Counter-Terrorism Policy"**. Global Security Studies. Volume 5. Issue 1. Winter.
- Boswell. Christina. (April 2007). **"The securitization of Migration: A Risky Strategy for European States"**.Danish Institute for International Studies. available in: <http://www.isn.ethz.ch/DigitalLibrary/Publications/Detail/?lang=en&id=31578>
- Brug. Woutervan.MeindertFennema and Jean Tillie. (2000) **"Anti-immigrant Parties in Europe: Ideological or Protest Vote?"**.European Journal of Political Research. Volume 37. Issue 1.
- Buzan. Bary. Ole Waever and Jaap de Wilde. (1998). **Security:A New Framework for Analysis**. Boulder. Colo.
- Cesari. Jocelyne (2009). **"The Securitisation of Islam in Europe"**. CEPS Challenge Paper No. 15. 9 April. available in: aei.pitt.edu/10763/1/1826.pdf

- EUMC (2006). **Muslims in the European Union Discrimination and Islamophobia**. available in: http://fra.europa.eu/sites/default/files/fra_uploads/156-Manifestations_EN.pdf (accessed, 14/09/2015)
- European Commission (February 2015). **“The 2015 Ageing Report : Underlying Assumptions and Projection Methodologies”**. available in: http://ec.europa.eu/economy_finance/publications/european_economy/2015/pdf/ee3_en.pdf
- European Humanist Federation (2013). **The European Union and the Challenge of Extremism and Populism**. available in: http://ec.europa.eu/justice/events/assisesjustice2013/files/contributions/24.europeanhumanistfederationtheeuandthechallengeofextremismandpopulism_ehf_en.pdf
- Foner . Nancy and Richard Alba (2008). **“Immigrant Religion in the U.S. and Western Europe: Bridge or Barrier to Inclusion?”**. IMR Volume 42 Number 2 (Summer).
- ICM opinion poll (February 2006). **“Muslims Poll”**. available in: http://www.icmunlimited.com/pdfs/2006_february_sunday_telegraph_muslims_poll.pdf
- Leonard. Sara.(2007). **The ‘Securitization’ of Asylum and Migration in the European Union Beyond the Copenhagen School’s Framework”**. (Paper presented at the SGIR Sixth Pan-European International Relations Conference. 12-15 September 2007. Turin -Italy).
- Mirza. Munira. (January 2007). **Senthilkumaran. Abi and Ja’farZein: Living apart together – British Muslims and the Paradox of Multiculturalism”**. Policy Exchange. available in: <http://www.policyexchange.org.uk/images/publications/living%20apart%20together%20-%20jan%202007.pdf>
- Modood. T.(2005). **Multicultural Politics: Racism, Ethnicity and Muslims in Britain**. Minneapolis. MN:University of Minnesota Press.
- Ole Wæver. (2004). **“Aberystwyth. Paris, Copenhagen: New Schools in Security Theory and the Origins between Core and Periphery.”** (Paper presented at the annual meeting of the International Studies Association. Montreal. March 17-20).
- Ole Wæver. (1995). **“Securitization and Desecuritization”**. in Ronnie Lipschutz (ed), *On Security*. (New York: Columbia University Press).
- Pew Global Attitudes Survey (JUNE 22, 2006). **“The Great Divide: How Westerners and Muslims View Each Other”**. available in: www.pewglobal.org/files/pdf/253.pdf

Pew Research Center (02/04/2015). **“The Future of World Religions: Population Growth Projections. 2010-2050”**. ,available in: <http://www.pewforum.org/2015/04/02/religious-projections-2010-2050>

Pew Research Center (27/01/2011). **“Region: Europe”**. available in: <http://www.pewforum.org/2011/01/27/future-of-the-global-muslim-population-regional-europe/>

Precht, Tomas (2007). **“Home grown terrorism and Islamist radicalization in Europe.”** Danish Ministry of Justice. December. available in: <http://www.justitsministeriet.dk/sites/default/files/media/Arbejdsomraader/Forskning/Fors>

Pregulman. Ally and Emily Burke (April 2012). **“Home Grown Terrorism”**. Center For Strategic and International Studies. available in: <http://csis.org/publication/homegrown-terrorism>

Sputnik (08/09/2015). **“Some 7,000 refugees from Syria arrived in Macedonia on Monday”**. available in: <http://sputniknews.com/europe/20150908/1026729375.html>

The Guardian (24/07/2015). **“Greece grapples with massive migrant influx as Syria conflict exacerbates crisis”**. available in: <http://www.theguardian.com/globaldevelopment/datablog/2015/jul/24/greece-migrant-influx-overtakes-italy-syria-afghanistan>, Jul 24, 2015

UNHCR (2006). **The State of The World's Refugees 2006: Human Displacement in the New Millennium**. Oxford: Oxford University Press.

unhcr.org (2016). **Total number of syruian refugees**. available at: <http://data.unhcr.org/syrianrefugees/regional.php>

UN News Center (26/03/2015). **“Syria crisis 'worsening' amid humanitarian funding shortfall. warns top UN relief official”** . available in: <http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=50436#.Viu5oep4TIW>



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني